

مثل درسرخان پیامبر

عبدالکریم تبریزی



عمرش آن را فراموش نخواهد کرد. شیوه استفاده از مثل در حقیقت به عنوان کوتاه‌ترین راه برای یک سخنران محسوب می‌شود. نزدیک کردن هدف گوینده به ذهن شنونده، همگانی کردن مسائل، حسی و عینی کردن موضوعات عقلی و ساکت کردن مخالفان معاند، از دیگر امتیازات تمثیل است.

مهم‌ترین شاخصه‌های یک مثل، کوتاهی لفظ، استحکام معنی و زیبایی و لطافت مفهوم آن است که در بلاغت و فصاحت یک خطابه تأثیر می‌گذارد؛

از شیوه‌هایی که بر جاذبه سخن می‌افزاید و مخاطب را به شنیدن بیشتر ترغیب می‌کند، بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات مرتبط با موضوع است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَسَلِّكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ «و این مثلها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.»

آرایش سخن به مثلهای کوتاه، دل‌نشین و مفید می‌تواند کلام را تا عمق جان مخاطب نفوذپذیر سازد و گاهی اوقات یک عبارت به جای ضرب‌المثلها و یا تشبیهات، موضوع را آن‌چنان به ذهن مستمع القاء می‌کند که هرگز تا آخر

ضروریات تبلیغ و روشی کاربردی و موفق برای مبلغان است؛ به ویژه آنکه یک مبلغ بتواند مثالهایی را از زندگی روز مره به مخاطبان خود عرضه کند و آن را با مفاهیم کلی اخلاقی و تربیتی تطبیق نماید و مستمعان را با موضوع مورد نظر خود بهتر و بیشتر آشناگرداند. مولوی برای تفهیم و روشن شدن معنای دنیا دوستی مذموم و استفاده صحیح از مظاهر دنیوی با یک مثل ساده و جذاب مستمع را به سوی هدف خود سوق می‌دهد و معنای آن دو را با عبارتی کوتاه تفکیک می‌کند و می‌گوید:

چیست دنیا از خدا غافل بَدَن

نی قماش و نقره و فرزند و زن

مال را کز بهر دین باشی حمول

نِغَم مَسْأَلِ صَالِحِ گفتش رسول

آب در کشتی هلاک کشتی است

آب اندر زیر کشتی پستی است

در این باره، شیوة تبلیغی رسول

خدا ﷺ در بهره‌گیری از تمثیل و

به گونه‌ای که حتی علی علیه السلام در میان اشعار، مثل را بهترین شعر می‌داند و می‌فرماید: «حَسْبُ الشُّعْرِ مَا كَانَ مَثَلًا»^۱ بهترین شعر آن است که مثل باشد.»

به عنوان نمونه، امیر مؤمنان

علی علیه السلام برای فهماندن تأثیر داروها بر

تن انسان این گونه مثل می‌زند: «شُرْبُ

الدَّوَاءِ لِلْجَسَدِ كَالصَّابُونِ لِلثَّوْبِ يُنْقِئُهُ وَلَكِنْ

يُخَلِّقُهُ»^۲ خوردن دارو برای بدن انسان

همانند استفاده از صابون برای شستن

چرکهای لباس است که لباس را تمیز و

پاک می‌کند، اما آن را فرسوده و ضعیف

می‌گرداند.»

بسیاری از اشعار نغز ادیبان و

شاعران نیز در اثر جاذبه و گویایی به

صورت ضرب المثل در آمده‌اند. مثلاً

صائب تبریزی القای روح شجاعت و

تسلیم نشدن در مقابل ستمگر را این

گونه بیان می‌کند:

اظهار عجز پیش ستمگر روا مدار

اشک کباب موجب طغیان آتش است

و یا این شعر او:

خمیر مایه دکان شیشه گر سنگ است

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

بنابراین، استفاده از مثل یکی از

۱. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، نشر

کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص

۳۳۶

۲. همان، ص ۳۰۰.

همین خصوص مَثَلی دیگر دارد که می فرماید: «إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَخْلُقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُجَدِّدَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ»^۱ ایمان در درون شما کهنه و فرسوده می شود؛ همان گونه که لباس در تن شما کهنه می شود. پس از خدای متعال بخواهید که ایمان را در قلبهایتان تازه و نو گرداند!

طبق این تمثیل نبوی، یک فرد مسلمان همان طوری که لباسهایش را نو می کند و به مرور زمان بهتر و زیباتر می نماید، نیروی ایمان را نیز باید تقویت کند تا روز به روز با روحیه ای تازه و ایمانی قوی به سوی کمال در حرکت باشد.

دعا و مناجات، انجام اعمال نیک، توسل، استعاذه و اندیشه های مثبت می تواند در تقویت ایمان مؤثر باشد.

حکمت بیماریها

هر شخصی در طول زندگی خود دچار لغزش و خطاهایی می شود و روح و

تشبیهات ملموس بهترین الگوی ماست. به این جهت، در این نوشتار نمونه هایی از مَثَلهای نبوی ﷺ را به خوانندگان گرامی و مبلغان ارجمند تقدیم می کنیم تا سر نخعی باشد که با توسل به آن حضرت از آنها بهره گیرند.

نقش ایمان

از ضروری ترین نیازهای یک مسلمان، داشتن ایمانی قوی و عمیق است که او را در عمل به دستورات شرعی یاری می کند. اگر ایمان ضعیف باشد، هرگز انسان مسلمان در عمل به برنامه های دینی موفق نخواهد شد. رسول خدا ﷺ ایمان را همانند لباس انسان معرفی می کند، و می فرماید: «مَثَلُ الْإِيمَانِ مَثَلُ الْقَمِيصِ تَقَمَّصُهُ مَرَّةً وَ تَنَزَعُهُ أُخْرَى»^۱ ایمان همانند پیراهن است که شخص گاهی آن را می پوشد و گاهی از تن بیرون می آورد.

یعنی انسان وقتی با انگیزه الهی به سوی انجام اعمال خیر می رود، لباس ایمان در بر دارد و هنگامی که از خداوند غفلت کرده، با ترک واجبات و انجام محرمات، معصیت می کند، لباس ایمان را از وجودش کنده است. آن حضرت در

۱. الجامع الصغير، جلال الدین سیوطی،

بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۵۲۷.

۲. فیض القدير، محمد الحناوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۱۰.

آتش است؛ نه دوستی اش برای تو سودی دارد و نه به عهدش وفا می‌کند.»

سعیدی نیز در توضیح این معنا دوست بد را به پاره ابری تشبیه می‌کند که درخشندگی آفتاب را مانع می‌شود:

با بدان کم نشین که همسر بد

گر چه پاکی تو را پلید کند

آفتابی بدان بلندی را

ذره‌ای ابر ناپدید کند

طبق حدیث فوق، دوست بد

هرگز به حال انسان سودی ندارد و به عهد و پیمان او اعتمادی نیست. او

همچون آتشی است که تمام نیکیها و

صفات خوب را در وجود رفقاییش

می‌سوزاند و نابود می‌کند. در این

مورد، مثل دیگر نیز گفته‌اند:

تا توانی می‌گریز از یار بد

یسار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار بد بر جان و هم ایمان زند

جانش را با کدورت و تیرگی گناه می‌آلاید و خود را در معرض کیفرها و عقوبتهای خداوندی قرار می‌دهد. از روشهای خداوند برای پاک و خالص کردن بندگان، مسلط ساختن بیماری بر جسم آنان است. رسول خدا ﷺ فرمود: «الْمَرَضُ سَوَاطُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدَّبُ بِهِ عِبَادَهُ؛^۱ بیماری تازیانه خداوند در روی زمین است که بندگان خود را با آن ادب می‌کند.»

آن حضرت بیماری را به تازیانه خدایی تشبیه کرده و آن را یکی از شیوه‌های تنبیه خداوندی دانسته است.

دوست خوب و بد

از عوامل کمال انسانی، همنشینی با دوستان خوب و نیکان روزگار است.

انسانی که بکوشد لحظات عمرش را با صالحان و انسانهای کمال یافته سپری کند،

بدون تردید در روح و جسم او تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. و در مقابل، دوست بد،

غیر از ضرر و لطمه چیزی نصیب انسان نمی‌کند. از این رو در کلام پیامبر اکرم ﷺ

به پاره‌ای از آتش تشبیه شده است. ایشان می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَصَاحِبِ السُّوءِ فَإِنَّهُ قِطْعَةٌ

مِنَ النَّارِ لَا يَنْفَعُكَ وُدُّهُ وَلَا يَفِي لَكَ بِعَهْدِهِ؛^۲ از همنشین بد پرهیز کن که او همانند پاره

۱. سبل الهدی و الرشاد، محمد صالحی شامی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶.

۲. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۴۵.

ارزش نماز

خداوند متعال برای عزت و آرامش و ثبات ایمان مسلمان، هدیه‌ای به عنوان نماز به او بخشیده است. هر بنده‌ای برای دوری از شیطان و استواری ایمان و اعتقادات خود، همه روزه خود را در سنگر نماز پناه می‌دهد و جان و دلش را صفا می‌بخشد. او با ایستادن در صف پاکان، رو به سوی مبدأ زیباییها کرده، لحظاتی را فارغ از دغدغه‌های زندگی و دلبستگی‌های مادی در خلوت با آفریدگار خویش رازهای دلش را در قالب عبادت و مناجات خود بازگو می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَذِبٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا يُبْقَى ذَلِكَ مِنَ الدَّنَسِ؛^۱ نمازهای پنج‌گانه همانند نهر جاری گوارایی است که در مقابل درب خانه یکی از شما جاری است. اگر او روزی پنج مرتبه خود را در آن نهر شستشو دهد، دیگر چرک [و کثافت و آلودگی] در بدن او باقی نمی‌ماند.»

آن حضرت علاقه خود را به نماز با مثالی دیگر توضیح می‌دهد و می‌فرماید:

«جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاتُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ وَاللِّي الطَّمَانِ الْمَاءَ وَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَإِنَّ الطَّمَانَ إِذَا شَرِبَ زَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛^۲ خداوند متعال روشنایی چشمانم را در نماز قرار داد و نماز را محبوب دلم گردانید؛ همچنان که غذا و آب را محبوب دل گرسنه و تشنه نمود. گرسنه هر گاه غذا بخورد، سیر می‌شود و انسان تشنه اگر آب بنوشد، سیراب می‌شود؛ اما من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.»

مفاسد گناهان

پیامبر اکرم ﷺ برای تقریب ذهن مسلمانان و روشن شدن برخی آموزه‌های دینی و مفاسد گناهان از راهکار موفق مثل استفاده می‌کرد که برخی از آنها عبارت اند از:

الف. حسد

آن حضرت در مورد ضررهای معنوی حسد فرمود: «لَا تَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ

۱. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۲۸.

۲. امالی شیخ طوسی، قم، دار الشفا، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۲۸.

الْيَاسِ؛^۱ هرگز به همدیگر حسد نکنید؛ زیرا حسد ایمان را می خورد؛ همان طوری که آتش، هیزم خشک را می خورد.»

ب. غضب

پیامبر ﷺ در مورد مفاسد خشم و غضب نیز فرمود: «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ؛^۲ خشم ایمان را فاسد می کند؛ همچنان که سرکه عسل را از بین می برد.»

ج. آلوده شدن به حرام

آن حضرت در مورد آثار مخرب حرام خواری در روحيات و اعمال یک انسان مسلمان می فرماید: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْيَتِيمِ عَلَى الرَّمْلِ؛^۳ عبادت به همراه حرام خوری، مثل این است که فردی در شنزار [و در زمین سست] ساختمانی بنیان نهد.»

یعنی همچنان که آن بنا ماندگار نیست و به زودی فرو می ریزد و صاحبش نمی تواند از آن بهره ببرد، همان طور عبادت های فرد حرام خوار نیز بی اثر و سریع الزوال خواهد بود و برای عبادت کننده سودی نخواهد داشت.

د. گوش کردن به موسیقی

حضرت خاتم الانبیاء ﷺ در

مورد عواقب و آثار خطرناک شنیدن موسیقی فرمود: «إِيَّاكُمْ وَاسْتِمَاعَ الْمَعَارِفِ وَالْغِنَاءِ فَإِنَّهُمَا يَنْبِتَانِ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُسْبِغُ الْمَاءُ الْبَقْلَ؛^۴ از گوش دادن به موسیقی و آهنگ های حرام بپر هیزد که این دو سبب رویدن نفاق در دل آدمی است؛ همان طور که آب موجب رویش سبزیجات است.»

علم و عالم

حضرت رسول ﷺ در مورد علم و دانش سفارشات بسیاری فرموده است و در سیره و سخن آن حضرت نکات قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. آن گرامی از تمثیلات هم در این موضوع استفاده کرده است که مواردی را با هم می خواهیم:

۱. «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛^۵ مثل آن که

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۲، ص ۱۷.
۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۰۲.
۳. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، لبنان، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۸۱، ص ۲۵۸.
۴. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۲۰.

۵. منیه المرید، زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹،

روشنی بخش، علم و دانش اوست.»

عالم بی عمل

رسول خدا ﷺ در باره عالم بی عمل فرمود: «مَثَلٌ مَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ كَالسَّرَاجِ يُحْرِقُ نَفْسَهُ وَيُضِيءُ غَيْرَهُ»^۱ مثل دانشمندی که به مردم نیکی می آموزد، ولی خودش به آن عمل نمی کند، مانند چراغی است که خودش را می سوزاند و به دیگری روشنایی می دهد.»

با توجه به مطالب گفته شده، مثلهای رسول اکرم ﷺ و اظهارات ﷺ می تواند در تبیین مطالب و تأثیر آن به شنونده از دو جهت ما را یاری کند: اول از آن جهت که سخنی معتبر و قابل اعتناست و ثانیاً بدان جهت که معقولات را برای ذهن مخاطب محسوس می کند و بنابراین، در خطابه و سخنرانی و تفهیم مطالب سهم بسزایی دارد.

در کودکی دانش می آموزد، همانند نوشتن در روی سنگ است [که همواره پایدار می ماند] و مثل آن که در سنین بالا به کسب دانش مشغول است، همانند کسی است که در روی آب می نویسد [که دوام ندارد و سریعاً پاک می شود].»

۲. «إِنَّمَا مَثَلُ الْعَالِمِ كَمَثَلِ يَنْبُوعٍ مِنْ مَاءٍ يَنْفَى بِلَدِّهِ وَمَنْ مَرَّ بِهِ كَذَلِكَ الْعَالِمُ يَنْتَفِعُ بِهِ أَهْلُ بَلَدِهِ وَمَنْ مَرَّ بِهِ؛^۱ عالم همانند چشمه آبی است که منطقه خود و کسانی را که از آنجا عبور می کنند، سیراب می سازد؛ همچنین از وجود عالم، اهل منطقه و عابری از آنجا بهره می برند.»

۳. «لَا بُدَّ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ ذَاتِبَةِ فَاِرِهَةٍ وَدَارٍ وَاسِعَةٍ وَثِيَابٍ جَمِيلَةٍ وَسِرَاجٍ مُنِيرٍ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لَنَا ذَلِكَ فَمَا هِيَ قَالَ ﷺ أَمَّا الذَّابَةُ الْفَارِهَةُ فَعَقْلُهُ وَأَمَّا الدَّارُ الْوَاسِعَةُ فَصَبْرُهُ وَأَمَّا الثِّيَابُ الْجَمِيلَةُ فَحَيَاتُهُ وَأَمَّا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ فَعِلْمُهُ»^۲ مؤمن به چهار چیز نیاز دارد: مرکبی چاق و نیرومند، خانه وسیع، لباس زیبا و چراغ روشنی بخش. مسلمانان حاضر گفتند: یا رسول الله! ما اینها را نداریم. منظور شما از اینها چیست؟ فرمود: مرکب قوی، عقل؛ خانه وسیع، بردباری؛ لباس زیبا، شرم و حیا؛ و چراغ

ص ۲۲۷.

۱. مثلهای آسمانی، علی اسعدی، قم، نشر دار

الحديث، ۱۳۸۳.

۲. المواعظ العديدة، علی مشکینی، قم، نشر

الهادی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۵.